



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۲۴	تاریخ	۱۴۰۴/۰۸/۰۵
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	حدود حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	مبحث سوم: اخبار از موضوعات				
عنوان ۴	بررسی دلیل اول: سیره				
عنوان ۵	استدلال به روایات برای حجیت خبر در موضوعات				
عنوان ۶	طریق اول: تمسک به روایات حجیت خبر در احکام				
عنوان ۷	تقریب چهارم، تقریب مبتنی بر اولویت				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

چکیده

این درس به ادامه بحث استدلال به روایات برای اثبات حجیت خبر واحد در موضوعات پرداخت و عمدتاً بر تقریب چهارم (مبتنی بر اولویت) که توسط شهید صدر مطرح شده، متمرکز بود. اجمال این تقریب آن است که اگر خبر واحد در احکام حجت باشد، به طریق اولی باید در موضوعات نیز حجت باشد. وجه اولویت این است که عدم عمل به خبر واحد در احکام - که کلی هستند - منجر به تخلفات کثیر در مصادیق متعدد می شود؛ اما عدم عمل به خبر واحد در موضوعات، تنها منجر به یک تخلف موردی می گردد. پس اگر شارع، تخلف کثیر ناشی از خطای خبر در احکام را اغماض کرده و آن را حجت دانسته، به طریق اولی باید تخلف قلیل ناشی از خطای خبر در موضوعات را اغماض کند. لذا ادله حجیت خبر در احکام، به دلالت التزامی مبتنی بر اولویت عرفیه، حجیت خبر در موضوعات را نیز اثبات می کنند.

دو اشکال بر این تقریب مطرح شد:

۱. اشکال شهید صدر (وجود وجه رجحان در احکام): ایشان بیان داشتند که در مقابل این اولویت، یک وجه رجحان برای جعل حجیت در احکام وجود دارد که در «موضوعات» نیست و آن، انسداد باب علم در بسیاری از احکام در صورت حجت نبودن خبر واحد است. شارع برای رفع این انسداد و فراهم کردن راهی برای دسترسی به احکام، خبر واحد را حجت قرار داده

است. اما در موضوعات، باب علم غالباً مفتوح است و نیازی به تعبد به خبر واحد نیست. این وجه رجحان، اولویت مذکور را خنثی می‌کند.

۲. اشکال دیگر (تفاوت در طریق دستیابی): طریق متعارف و میسور برای دستیابی به احکام حتی در زمان حضور ائمه، خبر واحد است؛ زیرا احکام در اختیار معصوم قرار دارند. اما موضوعات، در دسترس خود مکلف هستند و طرق علمی و تحقیقی متعددی برای شناخت آنها وجود دارد و نیازی به تعبد به خبر واحد نیست. این تفاوت در طریق دستیابی، وجه دیگری برای تفکیک میان حجیت خبر در حکم و موضوع است.

در نتیجه، تقریب مبتنی بر اولویت نیز برای اثبات حجیت خبر واحد در تمام موضوعات، کافی به نظر نمی‌رسد.

سخن آغازین

ابتدا سالروز میلاد حضرت زینب علیها السلام را تبریک عرض می‌شود. خود تعظیم این ایام، از مصادیق تعظیم شعائر است؛ تعظیم بزرگانی که هیچ‌کس به اندازه ایشان بر بشریت حق ندارد. کاری که این بزرگواران - ائمه هدی علیهم السلام و در رأس ایشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زینب کبری علیها السلام - انجام دادند، این است که خود را فدا کردند تا در جامعه بشر، خیر و صلاح و عدالت برقرار شود. شأن ایشان بسیار بالاتر از شأن کسانی است که خدمتی مادی، مانند تأمین نان و آب بشریت، انجام داده‌اند که آن هم خدمت است؛ ولی خدمت این بزرگان، بسیار بسیار عظیم‌تر از خدمت دیگران است. زینب کبری علیها السلام که درباره‌اش گفته شده است:

هذه زینب ومن قبل کانت بفنا دارها تحط الرجال^۱

در آستانه خانه ایشان، مسافران بار سفر می‌گشودند. خانه حضرت زینب، مهمان‌پذیر بود؛ یعنی کسانی که وارد مدینه می‌شدند، چند خانه وجود داشت که مهمان‌پذیر و غریب‌نواز بودند و یکی از آنها، خانه حضرت زینب علیها السلام بود. مسافرین بار و بنه خود را آنجا بر زمین می‌گذاشتند و به آنجا پناه می‌بردند. سپس برای چنین شخصیتی با آن عظمت، آن وقایعی رخ داد که همگان می‌دانیم؛ یا همان‌گونه که برای خود سیدالشهدا علیه السلام رخ داد.

گذشتن از سر و فرزند یک طرف، و گذشتن از این عزت‌های ظاهری نیز بسیار مهم است. زبان حالی که از حضرت سیدالشهدا نقل شده، شعر خوبی است:

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طُرّاً فِي هَوَاكَ وَأَيَّمْتُ الْعِيَالِ لَكَ أَرَاكَ
وَلَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ إِرْبَاً لَمَّا مَالَ الْفُؤَادِي إِلَى سَوَاكَ

همه آفریدگان را در راه عشق تو رها کردم و خانواده‌ام را یتیم نمودم تا تو را ببینم. و اگر مرا در راه محبتت قطعه قطعه کنی، باز هم دلم به سوی غیر تو متمایل نخواهد شد.

نظیر همین مضمون نیز گفته شده است:

۱. أدب الظف أو شعراء الحسين علیه السلام؛ ج ۷، ص ۱۸۷.

أَحِبُّكَ حُبِّينِ: حُبُّ الْهَوَىٰ وَحُبًّا لِأَهْلِكَ أَهْلُ لَذَاكَ

تو را دو نوع دوست می دارم: دوستی عاشقانه و دوستی برای آن که شایسته آنی.

این شعر خطاب به ذات اقدس حق است که تو را دو گونه دوست دارم: یکی دوستت دارم به دلیل اینکه دلم عاشق توست و دلیل هم ندارد؛ «حُبُّ الْهَوَىٰ»؛ یعنی دلیل ندارد؛ گونه دوم این است که علاوه بر اینکه به عشق هوی و خواستن دوستت دارم، دلیل هم دارم، دلیل هم این است که تو اهل این هستی که عاشقت باشم. این همه خیرخواهی، فضیلت گستری، عدالت خواهی و تلاش برای تثبیت ارزش های متعالی انسانی در جامعه بشر، همگی میراث این بزرگان است. افرادی مانند ادیسون و امثال او نیز خدمت کرده اند، لکن آنچه این اولیاء الهی انجام دادند، صدها و هزاران برابر برتر از آن چیزی است که آن دانشمندان انجام داده اند. اینان در جامعه بشر، عدالت، عدالت خواهی، عدالت طلبی، خدمت به دیگران و تقوا را نهادینه کردند. بزرگ ترین خدمتی که می توان به بشریت تقدیم کرد، همین خدمت بزرگ است.

روایت آغازین

مرحوم دیلمی در ارشاد القلوب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

«مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ وَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمُجِيءُهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَكَانَ كَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ سَنَةٍ صَابِرًا مُحْتَسِبًا»؛

هر کس با جان و مال خود به سوی یکی از بستگانش برود تا صلۀ رحم به جا آورد، خداوند صلی الله علیه و آله پاداش صد شهید به او عطا می کند و برای هر گامی که برمی دارد، چهل هزار حسنه برای او ثبت می شود و چهل هزار گناه از او محو می گردد و به همین میزان بر درجات او افزوده می شود و گویی صد سال خداوند صلی الله علیه و آله را صابرا نه و مخلصانه عبادت کرده است.

امیدواریم خداوند توفیق عمل به آنچه به ما آموخته است را عنایت فرماید، ان شاء الله تعالی.

مرور درس پیشین

بحث در تقریبات دلالت ادله دال بر حجیت خبر در احکام، بر حجیت خبر در موضوع بود. سه تقریب بیان شد که تقریب سوم، تقریبی بود که ما ارائه کردیم. حاصل آن این بود که ارتکاز عقلایی، ظهوری در دلیل ایجاد کرده و آن را توسعه می دهد. دلیل دال بر حجیت خبر واحد در احکام، با توجه به اینکه حجیت خبر واحد در موضوعات نیز امری مرتکز نزد عقلاست، این ارتکاز عقلایی به آن دلیل، ظهور در عمومیت می بخشد. یعنی وقتی دلیل می آید و خبر را در باب احکام حجت قرار می دهد، عقلا از این می فهمند که مقصود، حجیت مطلق است، چه در احکام و چه در موضوعات؛ همان معنایی را می فهمند که در میان خودشان مرتکز است. این ارتکاز به لفظ ظهور می دهد به گونه ای که اگر متکلم، حجیت در موضوعات را اراده نکرده بود، می بایست قرینه ای می آورد و عدم اراده خود را بیان می کرد. این، آخرین تقریبی بود که بیان شد.

تقریب چهارم: استدلال مبتنی بر اولویت

تقریب چهارمی وجود دارد که استاد شهید صدر آن را بیان می‌کنند، البته ایرادی نیز بر آن وارد می‌نمایند. این تقریب چهارم، مبتنی بر «اولویت» است. اجمال آن این است که گفته شود اگر خبر واحد در «احکام» حجت باشد، باید در «موضوعات» به طریق اولی حجت باشد.

لکن این اولویت باید تبیین شود که به چه وجهی، اولویتی در اینجا وجود دارد؛ و این وجه اولویت نیز باید یک وجه اولویت بین و روشن باشد که در کلام، ظهور ایجاد کند.

وجه اولویتی که ایشان بیان می‌کنند، این است که در احکام، اگر معصیت یا امتثالی حاصل شود، این امتثال و معصیت، گستردگی دارد؛ زیرا حکم، یک حکم کلی است. اگر کسی نسبت به این حکم کلی - مثلاً حرمت زنا یا حرمت سرقت - معصیت کند، آثار آن گسترده است. یعنی فرض کنید روایتی (خبر واحدی) آمده و می‌گوید سرقت حرام است. اگر شنونده نخواهد به این روایت عمل کند و به آن اعتنا نکند، چه مقدار معصیت رخ می‌دهد؟ ممکن است سرقت‌های زیادی اتفاق بیفتند. یک حکم است، اما مصادیقش فراوان است. خبری واحد که در باب احکام وارد می‌شود، یک حکم کلی را بیان می‌کند که دارای مصادیق کثیر است. اگر شخص بخواهد از آن تخلف کند، منجر به تخلف در موارد فراوان می‌شود.

اما اگر خبری (روایتی) درباره موضوع معینی بیاید، یعنی خبر واحدی بگوید «این نجس است» یا «این گوشت، میته است»، اگر قرار باشد از این خبر تخلف شود، تنها یک تخلف رخ می‌دهد. اگر شخص بخواهد تخلف کند، همان یک میته را می‌خورد. تخلفی که در نتیجه عدم عمل به خبر واحد در «موضوع» اتفاق می‌افتد، تخلفی جزئی و موردی است؛ اما تخلفی که در نتیجه عدم عمل به خبر واحد در «احکام» اتفاق می‌افتد، تخلفی کلی و در موارد کثیر است.

بنابراین، اگر شارع، خبر واحد - که علم‌آور نیست - را در «احکام» حجت قرار دهد، معنایش آن است که تخلف در موارد کثیر را در آنجایی که این خبر واحد، خلاف واقع باشد، نادیده گرفته است. حجت قرار دادن خبر واحد در حکم کلی، به این معناست که شارع از آن خلاف واقع‌هایی که به وسیله عمل به این خبر خطا اتفاق می‌افتد، اغماض کرده است.

حال، اگر شارع حاضر است از تخلف ناشی از خطای خبر واحد در «حکم» - که منجر به تخلفات کثیر می‌شود - اغماض کند، چنین اغماضی در مورد خطای خبر واحد درباره «موضوع»، به طریق اولی جای دارد؛ زیرا این خطا، تنها یک تخلف موردی است، نه بیشتر. پس اگر نزد شارع، تخلف ناشی از عمل به خبر واحد در «احکام»، قابل اغماض است، تخلف ناشی از خطای در عمل به خبر واحد در «موضوعات»، به طریق اولی قابل اغماض خواهد بود. این، وجه اولویت است.

پس اگر دلیلی آمد و بیان داشت که خبر واحد نزد شارع حجت است، به طریق اولی باید خبر واحد نزد او در «موضوع» نیز حجت باشد، اگر در «احکام» حجت است؛ به همان نکته اولویتی که بیان شد.

این، تقریبی است که استاد شهید صدر بیان می‌کنند. بر اساس این تقریب، می‌توان گفت که اخبار یا ادله‌ای که بر حجیت خبر واحد در احکام دلالت دارند، به «دلالت التزامیه مبتنی بر اولویت عرفیه»، بر حجیت خبر در موضوعات نیز دلالت می‌نمایند. وجه دلالت، همان دلالت التزامی مبتنی بر اولویت عرفی است؛ یعنی عرف این‌گونه درک می‌کند که اگر

خبر واحد در احکام حجت است، پس به طریق اولی در موضوعات نیز باید حجت باشد. این، خلاصه تقریبی است که استاد بیان می‌کنند.^۱

اشکال شهید صدر بر تقریب مبتنی بر اولویت

شهید صدر بر این تقریب، اشکالی وارد می‌کنند. حاصل اشکال این است که درست است که چنین اولویت عرفیه‌ای از این ناحیه وجود دارد، ولی در مقابل آن، یک «جهت رجحان» برای جعل حجیت خبر در «احکام» وجود دارد که این جهت رجحان، در جعل حجیت برای «موضوعات» وجود ندارد. این وجه رجحان، به این شرح است:

باب علم در بسیاری از موارد «احکام»، مسدود است. ما چه مقدار می‌توانیم به احکام شرعیه علم پیدا کنیم؟ راه‌های علم محدود است به: علم از طریق آیات قرآن - آن هم آیاتی که ظهورشان قطعی باشد، یا روایات متواتر، یا احیاناً خبر واحدی که محفوظ به قرائن قطع‌آور باشد. موارد کثیره‌ای از احکام مجهول برای ما وجود دارد که نه آیه قرآنی ظاهری در تعیین حکم آنها وارد شده، نه خبر متواتری داریم و نه خبر محفوظ به قرائن قطع‌آور. باب علم به احکام شرعیه در این موارد مسدود است. شارع برای آنکه راهی برای دسترسی به احکام خود در این دسته از موارد فراهم کند، خبر واحد را در احکام حجت قرار داد؛ زیرا اگر خبر واحد را در احکام حجت قرار نمی‌داد، بخش عظیمی از احکام شرعیه از بین می‌رفت و امکان امتثال آنها حاصل نمی‌شد.

پرسشگر: ...

استاد: خیر؛ ما انسدادی نیستیم؛ به دلیل وجود خبر واحد؛ یعنی یکی از ادله برای حجیت خبر می‌تواند انسداد باشد، اما ما نیازی به دلیل انسداد نداریم. می‌توان گفت که شارع، جهت رفع انسداد را نیز در جعل حجیت خبر در نظر داشته است. اما ما به انسداد استدلال نمی‌کنیم؛ ما دلیل داریم.

منتها مقصود این است که بگوییم یک وجه رجحانی وجود دارد که این وجه رجحان، وجه رجحان ثبوتی است، نه اثباتی؛ یعنی به ما به دلیل انسداد، نمی‌خواهیم حجیت خبر واحد را اثبات کنیم؛ بلکه می‌گوییم در مقام ثبوت، یک وجه رجحانی برای جعل حجیت در احکام وجود دارد که این وجه رجحان، در جعل حجیت برای موضوعات وجود ندارد؛ چون در موضوعات، باب علم مسدود نیست. اگر قرار باشد فهمیده شود که آیا چیزی میته است یا نه، با تحقیق می‌توان به آن علم پیدا کرد. اگر قرار باشد تحقیق شود که آیا این لباس نجس است یا نه، با تحقیق می‌توان به آن علم رسید. در موارد موضوعات، راه علم بر ما مسدود نیست. اما در احکام، در بسیاری از موارد - در غیر آن مواردی که بیان شد - باب علم مسدود است یا می‌تواند مسدود باشد.

۱. «الثاني: التعدي بملك الأولوية العرفية، بمعنى أن العرف يرى أن المولى إذا كان يعتمد على خبر الواحد في إيصال الحكم الكلّي أو نفيه، مع ما يترتب على ذلك من وقائع كثيرة من الامتثال والعصيان فهو يعتمد عليه في إيصال الموضوع ونفيه، الذي لا يترتب عليه إلا واقعة واحدة من وقائع الامتثال أو العصيان. وهذه الأولوية العرفية تجعل دلالة التزامية عرفية في دليل الحجية يثبت بها حجية الخبر في الموضوعات»؛ [موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر؛ ج ۱۰ (بحوث في شرح العروة الوثقى - جزء الثاني)، ص ۹۸].

این، یک وجه رجحان است. شاید به لحاظ اینکه راه علم در بسیاری از موارد احکام، می تواند مسدود باشد یا عملاً مسدود است، شارع خبر واحد را در احکام حجت قرار داده، ولی در موضوعات حجت قرار نداده و به مکلفین گفته است: «بروید تحقیق کنید و علم پیدا کنید؛ نیازی به عمل به خبر واحد در موضوعات نیست».

پس آن وجه اولویتی که گفته شد، در مقابلش وجه دیگری وجود دارد که آن اولویت را از کار می اندازد. و لذا آن «دلالت التزامی عرفی» دیگر به وجود نمی آید که بتوان بر اساس آن، قائل شد ادله ای که خبر واحد را در احکام حجت قرار داده اند، دلالت می کنند بر اینکه خبر واحد در موضوعات نیز حجت است.

این هم اشکالی است که ایشان مطرح می کنند^۱.

اشکال دیگر بر تقریب مبتنی بر اولویت

در اینجا اشکال دیگری نیز می توان بیان کرد، علاوه بر اشکالی که استاد شهید رحمته الله مطرح می کنند؛ و آن این است که موضوعات، همواره در دسترس مردم هستند و در هر زمان موضوع مبتلا به مکلف، در اختیار اوست. اما احکام شرعی در اختیار مکلف نیست؛ علم به احکام شرعی در اختیار معصوم است. این علم اگر بخواهد به دست مردم برسد، قاعدتاً باید از طریق خبر واحد باشد؛ لا اقل یکی از طرق شایع آن، خبر واحد است.

در حالی که موضوعات احکام شرعی، در دست خود مردم است. هر کسی - مثلاً ما که اکنون در زمان خودمان هستیم - برای شناخت موضوعات احکام شرعی، نیازی ندارد که از امام صادق علیه السلام که ۱۴۰۰ سال پیش زندگی می کرده است، بپرسد. موضوع را خودمان تحقیق کرده و پیدا می کنیم؛ موضوع، نزد خود ما حاضر است. اما حکم، نزد ما حاضر نیست؛ حکم نزد امام صادق علیه السلام و ائمه علیهم السلام است. اگر قرار باشد احکام به ما برسد، راه میسور آن، اخبار واحد است. اما اگر قرار باشد علم به «موضوع» به ما برسد، راه های کثیره ای غیر از خبر واحد برای آن وجود دارد. این هم نکته ای است که البته در فرمایش شهید صدر رحمته الله نیامده، ولی به نظر ما نکته مهمی است.

پرسشگر: این پاسخ با پاسخ قبلی چه فرقی دارد؟

استاد: این سخنی که ما مطرح می کنیم، بحث سد باب علم نیست؛ بلکه وجه دیگری است برای رجحان جعل حجیت برای خبر واحد در «احکام»، نسبت به جعل حجیت در «موضوعات». و آن این است که طریق متعارف، ممکن و میسور برای دستیابی به احکام، «خبر واحد» است؛ حتی در زمان خود ائمه اطهار علیهم السلام؛ زیرا در آن زمان نیز، همه اصحاب در کنار ایشان نبودند و مردم مسلمانی که می خواستند به احکام عمل کنند، همگی در مدینه حضور نداشتند تا بتوانند مستقیماً از امام سؤال کنند. آنها از چه طریقی باید احکام را به دست می آوردند؟ از طریق خبر واحد. طریق میسور و متعارف برای دستیابی به احکام، خبر واحد است. اما در موضوعات، چنین نیست؛ طریق متعارف، همیشه خبر واحد نیست. در موضوعات، طرق علمی متعارف زیادی وجود دارد.

۱. «ولا یخلو هذا البیان من وجاهة. اللهم إلا أن یقال: إن الانسداد النوعی لباب العلم الوجہانی فی الأحکام ثابت دونه فی الموضوعات. فلعل ذلك الانسداد أوجب التوسعة التعبدية لدائرة العلم الذي یرجى به عن الأصول فی الأحکام، ولم تعمل توسعة مماثلة فی الموضوعات»؛ [موسوعة الشہید السید محمد باقر الصدر؛ ج ۱۰ (بحوث فی شرح العروة الوثقی - جزء الثاني)، ص ۹۸ و ۹۹].

پرسشگر:...

استاد: در حقیقت در جعل حجیت برای خبر واحد در احکام، از باب تیسیر امر بر مکلف است. در جعل حجیت برای خبر واحد در «احکام»، یک تیسیر و آسان سازی بسیار لازمی به جهت دسترسی مردم به احکام وجود دارد که در جعل حجیت برای خبر واحد در «موضوعات» وجود ندارد.
ادامه بحث ان شاء الله فردا بیان خواهد شد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین



مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی